



برگی از کتاب Drive نوشته دانیل پینک

[Itrbox]

The pursuit of meaningfulness: a fundamental intrinsic impetus

In old age, people begin to consider what was important in their lives and ask whether they achieved something. But what moves people during the course of their lives and why do they act as they do

[Itrbox/]

در جستجوی معنا: نیروی محرکه درونی اصلی

در دوران پیری، افراد به این فکر می‌افتند که چه چیزی در زندگی‌شان مهم بوده و از خود می‌پرسند که آیا چیزی به دست آورده‌اند. اما چه چیزی انسان‌ها را در طول دوران زندگی‌شان به حرکت درمی‌آورد و دلیل نحوه عملکردشان چیست؟

[tablebox]

Fundamental: اصلی، اساسی، بنیادی

Intrinsic: ذاتی، طبیعی، درونی

Impetus: نیروی محرکه

[tablebox/]

[ltrbox]

To answer this question, psychologists investigated the quest for meaning in the lives of young people. They asked graduates of the University of Rochester about their main aim in life. While some named extrinsic profit targets and wanted to become rich and famous, others specified more meaningful intrinsic goals: to develop personally and to help others, for example by working for international aid organizations

[ltrbox/]

برای پاسخ به این سوال، روانشناسان به بررسی جستجوی معنا در زندگی جوانان پرداختند. آن‌ها از فارغ‌التحصیلان دانشگاه راجستر در مورد هدف اصلی زندگی‌شان سوال پرسیدند. عده‌ای از آن‌ها از اهداف درآمدی بیرونی نام بردند و اینکه می‌خواهند ثروتمند و معروف بشوند. عده‌ای هم اهداف درونی معنادارتری را عنوان کردند؛ مثل رشد فردی و کمک به دیگران به‌عنوان مثال با کار کردن برای سازمان‌های امدادرسان بین‌المللی.

[tablebox]

Psychologist: روانشناس

هدف: Aim, goal, target

Investigate: بررسی کردن، تحقیق کردن

Extrinsic: بیرونی، خارجی

[tablebox/]

[ltrbox]

Some years later, the researchers interviewed the same participants to find out how things had turned out for them. The students with profit goals were no more contented, even having successfully achieved positions as managers in large firms. On the contrary, they suffered from depression and anxiety more frequently than the students who had stated meaningful goals. The latter reported to have achieved a greater happiness in life with their goals, and only rarely suffered from psychological ailments.

[ltrbox/]

چند سال بعد، محققین از همان شرکت‌کنندگان مصاحبه کردند تا ببینند چه اتفاقاتی برای آن‌ها افتاده است. دانشجویانی که اهداف درآمدی داشتند، حتی با وجود اینکه با موفقیت به موقعیت‌هایی همچون مدیریت شرکت‌های بزرگ رسیده بودند دیگر شاد و راضی نبودند و برعکس، آن‌ها به مراتب بیشتر از دانشجویانی که اهداف معنادار را ذکر کرده بودند دچار افسردگی و اضطراب بودند. گروه دوم گزارش کردند که به شادی بزرگ‌تری در زندگی با اهدافشان دست یافته‌اند و به ندرت از بیماری‌های روانی رنج می‌برند.

[tablebox]

Participant: شرکت کننده

Firm: کمپانی، شرکت

On the contrary: برعکس

Rarely: به ندرت

Suffer: رنج بردن

[tablebox/]

['lbg_audioV_html۵ settings_id='۲]